



نقد و نظری بر مستند «نیمه دوم سال، نیمه از دست‌رفته بود»

سرد و ناواضح، مثل یک روز برفی

■ **احمد رضا حجاززاده**

سبیزده دقیقه؛ این تمام زمانی است که یک فیلمساز برای ترسیم‌سال‌ها:زندگی از دست‌رفته یک جانباز جنگ تحمیلی صرف کرده. گرم او جزو اقلیت‌ها باشد اما ما:یار تهرانی توانسته بهره درستی از این مدت کوتاه برد و فیلمی نامنسجم و دور از هر گونه جذابیت‌های دیداری، شنیداری و محتوایی تولید کرده است. «نیمه دوم سال، نیمه از دست‌رفته بود» گویا قرار بوده شرح مختصری باشد از وضعیت یک جانباز امنی- هاسو کشیش دانیالیان – که متأسفانه به خاطر پرداخت ضعیف و ناشایسته در کارگردانی و عرضه اطلاعات نیم‌بند و بی‌اهمیت، اینک به نخستین راف‌کات‌های یک فیلمساز آماتور شبیه‌تر است. کارگردان تلاش کرده از شیوه مصاحبه با افراد و روایت شخصی بر مبنای عکس‌ها و تصاویر ضبط‌شده استفاده بکند اما آنچه در فیلم به کار رفته، کمترین اطلاعاتی به مخاطب نمی‌دهد. تماشاگر این مستند

با یک مشتت جمله‌های کلی دربارهٔ وضعیت که درست هم معرفی نمی‌شود، روبه‌روست. ضعف اصلی فیلم از پرداخت‌سازنده آن در سوزه ناشی می‌شود؛ یک هم‌وطن ارمنی در نخستین سال‌های شروع جنگ تحمیلی به خدمت سربازی می‌رود و در مهر سال ۶۳ شده است. همه آنچه تا پایان فیلم از شخصیت و وضعیت هاسو می‌دانیم همین است. حتی در صحت محل جانبازی هاسو جای تردید است، زیرا در منابع اینترنتی، محل دقیق تر وقوع رویداد، تپه شهید احمدوند می‌وان قید شده اما در فیلم نامی از این محل برده نمی‌شود. همچنین فیلمساز اطلاعاتی درباره گذشته هاسو و ویژگی‌های رفتاری‌اش رو نمی‌کند تا

او را بیشتر و بهتر بشناسیم. اغلب جمله‌هایی که تماشاگر در وصف او و مهر زمان ارمنی‌اش می‌شود، جمله‌های گنگ و پرآکنده است که به روایت خواهر و برادرش از نخستین نمای فیلم و روی تصویر عکس‌های یادگاری از خدمت و جنگ، در هم دریاوُلو شده و نمکی به شناخت کامل‌تر شخصیت اصلی نمی‌کنند؛ «هازمانده نسلی است که می‌خواستند رنگین‌کمان را معنی کنند»، «هر وقت می‌رفت کلیسا، پنهانی گریه می‌کرد»، «از جنگ‌ها و وضعیت تبدیل سفید بود، موهای وسط سرش بور بود، و در ادامه، برخی جمله‌های خود هاسو است که به کار می‌آیند و فضایی از جبهه و جنگ را به فیلم تزریق می‌کند. مخاطب بر مبنای توضیحات هاسو متوجه می‌شود در یادگان سفر یک افسریه دوره پزشکیاری را گذرانده و با درجه گروهبان سومی به کوه‌های عراق اعزام شده. با وجود این، توضیح‌های هاسو وضعیت خدمت و جانبازی‌اش الکن و ناقص می‌ماند، چون به دلیل جانبازی و اختلال گفتاری نمی‌تواند واژه‌ها را درست ادا بکند و بیشتر جمله‌هایش نیمه‌کاره

مرور جنایات رژیم صهیونیستی در مستند «در غزه چه می‌گذرد؟»

«در غزه چه می‌گذرد؟» مستندی پیا موضوع واقعه ۲۳ جولای ۲۰۰۲ در غزه از شبکه مستند یخش می‌شود. مستند «در غزه چه می‌گذرد؟» با هدف به تصویر کشیدن مشکلات مردم غزه به دلیل تجاوزات رژیم صهیونیستی یک‌شنبه ششم آذر از شبکه مستند سیما روی آنتن می‌رود. این مستند که شامل تصاویر خشونت‌آمیزی است به حمله شبانه اف ۱۶ رژیم‌صهیونیستی به محله الدراج غزه می‌پردازد؛ واقعه‌ای که در سال ۲۰۰۲ رخ داد. در ۲۳ جولای، ساعتی قبل از آتش‌بس اعلام‌شده به وسیله حماس و

تولید انیمیشن روی آثار موسیقیدان ایرانی

پیر اساس ۱۳ قطعه از ساخته‌های شهرداد روحانی یک انیمیشن ۱۰ دقیقه‌ای به کارگردانی بابک یهنوند تکویمی طراحی و ساخته می‌شود. این انیمیشن براساس قطعاتی از شهرداد روحانی ساخته می‌شود که توسط ارکستر سازه‌های زهی در پراگ و براتیسلاوا اجرا شده و قرار است در آینده به صورت یک آلبوم منتشر شوند. روحانی درباره این قطعات توضیح داد: یکی از رشته‌های مورد علاقه من موسیقی فیلم بوده و قطعاتی که می‌نویسم در

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۴۶۴

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان «در محاصره» مستندی درباره حصر آبادان

برای ساخت فیلم درباره جنگ باید جنگ کرد!

■ **محمدصادق عابدینی**

مجموعه مستند «در محاصره» به کارگردانی امیرمهدی بوروزیری و تهیه‌کنندگی مهدی هما یونفر اثر مستند داستانی است که روزهای حصر آبادان و شکست حصر را نمایش می‌دهد. این اثر محصول مجموعه فرهنگی هنری «روایت‌فتح» و در ۱۱ قسمت برای شبکه یک سیما ساخته شده‌است که هر جمعه ساعت ۲۰:۱۵ از شبکه یک سیما پخش می‌شود و تاایام دهه فجر ادامه



از روند تولید مستند «در محاصره» بگویند. از چه زمانی شروع شد، لوکیشن کار کجا بود و روند تولید به چه شکل بود؟

اصرار من این است که لفظ مستند درباره‌این کار کمتر گفته شود. واقعیت این است که در زمان از مستند چیز دیگری است و در عین حال این مجموعه‌است که بیشتر نمایشی ساختار موضوعی فیلم دارند و نه اگر فیلمساز در پی منظور و هدفی بوده، می‌توانند مقصود او را به روشنی بیان بکنند. نماه‌های فراوان از تته درخان، نیمکت‌ها، قاب‌های پنجره و بارش برف بر همه اینها به هم‌راه صداگذاری‌های کلیشه تیراندازی و خمپاره‌ها در جبهه، مسیر فیلم را از سوزه اصلی خود منحرف کرده است. او را به روشنی بیان بکنند. نماه‌های فراوان از تته درخار، نیمکت‌ها، قاب‌های پنجره و بارش برف بر همه اینها به هم‌راه صداگذاری‌های کلیشه تیراندازی و خمپاره‌ها در جبهه، مسیر فیلم را از سوزه اصلی خود منحرف کرده است.

او را به روشنی بیان بکنند. نماه‌های فراوان از تته درخار، نیمکت‌ها، قاب‌های پنجره و بارش برف بر همه اینها به هم‌راه صداگذاری‌های کلیشه تیراندازی و خمپاره‌ها در جبهه، مسیر فیلم را از سوزه اصلی خود منحرف کرده است. او را به روشنی بیان بکنند. نماه‌های فراوان از تته درخار، نیمکت‌ها، قاب‌های پنجره و بارش برف بر همه اینها به هم‌راه صداگذاری‌های کلیسا و معدود جاهایی که هاسو به آنها رفت‌وآمد دارد همه می‌شود، نه موفق می‌شود نماهای خیره‌کننده و چشم‌نوازی در فیلم خود ثبت بکند و نه چنانچه لازم است به معرفی مکان‌ها و دلیل حضور شخصیت اصلی مستند در آن‌ها می‌پردازد.

«نیمه دوم…» اگر متن و دوکاپو مشخصی برای کارگردانی داشت، می‌توانست به مستند کوتاهی درباره یکی از جانبازان اقلیت کشور تبدیل بشود که گوشه‌های از فداکاری و جانبازی‌اش را به تصویر کشیده اما در وضعیت کنونی، فقط فیلمی آشفته و فاقد شخصیت‌پردازی و موضوع سرراست است که تماشاگر را به مدت ۱۳ دقیقه گیج و کلافه می‌کند تا شاهد لحظه‌های سرد و پیش‌یافتاده از زندگی یک جانباز بر حسب گزینش یک کارگردان بی‌خلاقیت باشد؛ مثل نمای پایانی فیلم که هاسو کشیش دانیالیان از گوشه پرده پنجره منظره بیرون را تماشا می‌کند؛ حیاط‌خانه روبه‌رو که آنجا چند میز و صندلی زیر بارش برف سپیدپوش می‌شوند.

به رغم اینکه وجه داستانی این کار به طرز آشکاری غالب بر وجه مستند آن است، اما برای صحنه‌های داستانی تر جیح دادیم از بازگیران حرفه‌ای با چهره‌هایی که هنوز چندان برای مخاطب شناخته شده نیستند استفاده کنیم. در بین بازگیران ما بازگیرانی که تجربه سه‌سال‌هاتاتر و چندین کار تلویزیونی و سینمایی را داشتند حضور داشتند، از جمله سلمان فرخنده، مجتبی پیرزاده، سجاد تابش و فرشاد میرزایی که با بازی خوششان به فیلم کمک کردند.

درباره جنبه داستانی بودن کار تقریباًدر هر قسمت کار ۷۵ تا ۸۰ درصد به صحنه‌های داستانی کار اختصاص داده‌شده است و تنها ۱۵ درصد اثر را مصاحبه و ۵ درصد را آشیوو گرافیک شامل می‌شود.

در حالی‌که بازبینی آثار رسیده به

بخش‌های مختلف جشنواره سی و چهارم توسط هیئت‌انتخاب ادامه دارد گویا برخی از فیلم‌ها در همین بازبینی اولیه کنار گذاشته شده‌اند و البته شرایطی در پیش گرفته شده که ضمن گفت‌وگوهای حضوری با صاحبان این آثار از آنها درخواست شود برای کمک به اکران آثار خود بعد از جشنواره هم که شده، اخبار این‌حذف را چنانجالی نکنند.

شده‌های جوان حکایت از آن دارد که «پاراادیس» تازه‌ترین ساخته علی عطشانی کارگردانی که در همه سال‌های اخیر حواشی‌اش بیشتر از متن بوده جزو نخستین آثار حذف‌شده از سبد جشنواره بوده‌است. «پاراادیس» که کار تولید آن نیمه‌اول سال به‌انتمار رسید به دلیل آنچه مضمون ملتهب و شباهت‌های داستانی با فضای فیلم جنجالی «مارمولک» قلمداد شده حذف گردیده است. فیلمبرداری این فیلم که در آن مه‌ران رجبی نقش

جزرای روایت این داستان سراز داکو درام و داستانی شدن کار رفتی؟

«در محاصره» در حقیقت مجموعه‌ای است که وقایع مستندی را که کارآزهای اصلی و زنده کار درباره آن صحبت می‌کنند به صورت داستانی تصویری می‌کشد. آنچه برای ما آشکار بود این بود که برای مخاطب دیدن صحنه‌های داستانی از گذشته آدم‌های واقعی بسیار جذاب است.

البته باید بگویم این نوع کار «داکو درام» نیست. در داکو درام، درام در داخل آغاز شد و در شهرک دفاع مقدس آبادان و خرمشهر ادامه پیدا کرد. داستان مجموعه تلویزیونی «در محاصره» از ۱۰ روز بعد از جنگ آغاز شده و ماجرای ۳۴۵ روز محاصره در آبادان به تصویر می‌کشند. تولید کار به دلیل داشتن صحنه‌های جنگی و نشان دادن صحنه‌های مهاجرت مردم از شهر تولید سنگینی داشته است که بازسازی این صحنه‌ها با شرایط و امکانات موجود بسیار سخت بود.

برای انتخاب بازگیران از چه بازگیرانی استفاده کردید و چه میزان از کار کنونی به وجه داستانی بودن است و چه میزان مستند؟

به رغم اینکه وجه داستانی این کار به طرز آشکاری غالب بر وجه مستند آن است، اما برای صحنه‌های داستانی تر جیح دادیم از بازگیران حرفه‌ای با چهره‌هایی که هنوز چندان برای مخاطب شناخته شده نیستند استفاده کنیم. در بین بازگیران ما بازگیرانی که تجربه سه‌سال‌هاتاتر و چندین کار تلویزیونی و سینمایی را داشتند حضور داشتند، از جمله سلمان فرخنده، مجتبی پیرزاده، سجاد تابش و فرشاد میرزایی که با بازی خوششان به فیلم کمک کردند.

پس چرا برای مخاطب شناخته شده هنوز چندان برای مخاطب شناخته شده نیستند استفاده کنیم. در بین بازگیران ما بازگیرانی که تجربه سه‌سال‌هاتاتر و چندین کار تلویزیونی و سینمایی را داشتند حضور داشتند، از جمله سلمان فرخنده، مجتبی پیرزاده، سجاد تابش و فرشاد میرزایی که با بازی خوششان به فیلم کمک کردند.

درباره جنبه داستانی بودن کار تقریباًدر هر قسمت کار ۷۵ تا ۸۰ درصد به صحنه‌های داستانی کار اختصاص داده‌شده است و تنها ۱۵ درصد اثر را مصاحبه و ۵ درصد را آشیوو گرافیک شامل می‌شود.

«پاراادیس»؛ اولین حذف شده جشنواره سی و چهارم

رئیس حوزه علمیه را بازری کرده و جواد عزتی و محمدعلی نجفیان ایفاگر دو طلبه هستند، سال قبل در آلمان انجام شد و حین فیلمبرداری نیز خبری درباره حضور گلشایسته فراهانی سرر صحنه فیلمبرداری آن منتشر شده بود؛ «پاراادیس» درست مانند «مارمولک» بار کمدی خود را از شوخی با روحانیون وام گرفته‌است. البته به جای «مارمولک» که رفتن یک سارق در جلد روحانی بود که



دارد. کارگردان در این سریال سراغ مردم آن زمان رفته‌است و هم‌زمان روایت آنها را بازگو می‌کند. در این روایت‌ها مردان و زنان آبادان از چگونگی دفاع خود از این شهر در شرایط سخت حصر و مجدداً شکست حصر سخن می‌گویند. «جوان» به بهانه پخش این مجموعه با امیرمهدی بوروزیری، کارگردان «در محاصره» به گفت‌وگو پرداخته است تا به روند تولید این اثر و ویژگی‌های آن و همچنین سختی‌های ساخت آثار مرتبط دفاع مقدس بپردازد.

کمی خواهد داشت.

نظر مردم درباره کار شما چطور بوده‌است؟

باز خوردی که تا به امروز از مخاطبان گرفتیم بسیار خوب بوده و بیشتر از انتظار است. عموماً مخاطبان دلم در جست‌وجوی بازپخش مجموعه از تلویزیون هستند که متأسفانه این مجموعه بازپخش ندارد و این خیلی تعجب‌برانگیز است تلویزیون از مجموعه‌ای که اینگونه اقبال عمومی نیز داشته‌است، استقبال نکرده‌است.

در حقیقت اگر دستور مستقیم ریاست سازمان آقای سرفراز نبود مدیران میانی چندین مایل به میدان‌دان به مجموعه‌هایی که در خارج از سازمان ساخته می‌شوند، نیستند و در حقیقت با «روایت‌فتح» و مجموعه تولیدی آن در‌ساره جنگ که استاندارد‌ها را رعایت کرده و مخاطب نیز دارد، بر خوردی شبیه فلان کمپانی ساخت دستگاه‌های الکترونیکی دارند که توسط ادعش صورت گرفت، اما در این عرصه یک ساعت برنامه تبلیغاتی پخش می‌کنند

و بازپخش نیز نباید داشته باشند و برای سازمان آقای سرفراز نبود مدیران میانی چندین مایل به میدان‌دان به مجموعه‌هایی که در خارج از سازمان ساخته می‌شوند، نیستند و در حقیقت با «روایت‌فتح» و مجموعه تولیدی آن در‌ساره جنگ که استاندارد‌ها را رعایت کرده و مخاطب نیز دارد، بر خوردی شبیه فلان کمپانی ساخت دستگاه‌های الکترونیکی دارند که توسط ادعش صورت گرفت، اما در این عرصه یک ساعت برنامه تبلیغاتی پخش می‌کنند

این بزرگ‌ترین مشکل ما و مخاطبان مجموعه‌است. در حالی که مخاطب مایل به دیدن است و رسانه نیز با کمبود محصولات جذاب که متافع ملی را هم به نظر داشته باشند، مواجه است اما نگاه بعضی مدیران میانی مانع رسیدن مخاطب به محصول مناسب است. شبکه یک حتی حاضر به پخش کلیپ مجموعه که اثری فاخر و ملی نیز است و موسیقی آن از بهزاد عبیدی ساخته است -بهزاد عبیدی دوسیمرح از جشنواره فجر دارد- و اجرای آن با ارکستر ناسیونال اوکراین بوده‌است، نیز نشد این در حالی است که شبکه‌های دیگری نیز نسیم خودشان این کلیپ را از اینترنت دلدلود کرده و پخش می‌کنند و این خود سؤال‌برانگیز است که تفاوت این شبکه‌ها را نشان می‌دهد

برای نسیم مخاطب و کیفیت اثر مهم است. البته عدم پخش کلیپ باعث اعتراض و نارضایتی خواننده اثر هم شد.

یکی از سختی‌های کار موضوع دفاع مقدس آن است. موانع تولید کار دفاع مقدسی در تولید اینگونه آثار چیست؟

اصولاً دفاع مقدس متولیان زیادی دارد که ظاهراً قرار است در ساخت آثار ملی و دفاع مقدسی کمک سازنده باشند. اما ارد شدن سدهر کدام از آنها خودش یک جهاد است. کمبود امکانات نظامی و اینکه این امکانات برای ساخت فیلم جنگی تنها در اختیار نهلده‌ای است که طرف‌داری با فیلم جنگی برای آنها تبدیل به یک امر روزمره و اداری شده‌است، هیچ سختی با علاقه و عشق سازندگان این آثار ندارد.

سؤال آخر: چند قسمت از کار باقی‌مانده است و تا چه زمانی ادامه دارد؟

ششمین قسمت از کار روز جمعه چهارم دی ماه پخش می‌شود و پنج قسمت دیگر باقی مانده‌است که احتمالاً در قسمت ۱۱ کار تمام خواهد شد.



بسبب شبکه‌های اجتماعی و حرکت‌های حمایتی از شیعیان نیجریه

■ **معصومه طاهری**

هفته گذشته قتل عام شیعیان نیجریه در روز شهادت امام رضاع) و چند روز پس از آن مانند شوکی جامعه جهانی تشیع را لرزاند؛ شوکی که به خاطر عدم پوشش رسانه‌های مطرح دنیا به این موضوع برای بسیاری به بهت تبدیل شد از این جهت که چرا و چطور جهان چشم‌ها را به این کشور یکباره بیش از هزار تن فراغ از اینکه چه دین و مذهبی دارند بسته‌است؟! جنایت زار یا اما در ایران که مهد تشیع و ام‌القرای جهان اسلام محسوب می‌شود نیز چندین بازتابی پیدا نکرد؛ هر چند در همان لحظات اولیه ستاد مردمی از فعالان فرهنگی و رسانه‌ای برای این قضیه تشکیل شد اما نوع پرداخت برخی رسانه‌ها همچون رسانه ملی و قتل عام شیعیان نیجریه باعث گردید که بسیاری از این حادثه مهم بی‌اطلاع بمانند تا جایی که حتی می‌توان گفت پرداخت به این موضوع کمتر از پرداختی بود که به کشتار پاریس توسط ادعش صورت گرفت، اما در این عرصه فعالیت‌های مردمی نیز جنبش و جوش خود را داشت؛ جنبش و جوشی که بیشتر از همه در طیف هنرمندان نمود پیدا کرد.

کاتالان تلگرامی حمایت از شیعیان نیجریه که توسط ستاد مردمی شهدای مظلوم نیجریه تشکیل شده بود بیش از هر چیز پس از اخبار و نقل قول‌های مختلف شاهد موج‌سازی بزرگی از ایشناهر و طرح‌های گرافیکی بود که از سوی هنرمندان مردمی برای انتشار میان عموم به آن ارسال می‌شد هر چند در این میان چند شعر برخی از اشاعران مشهور در رسانه‌ها بازتاب یافت‌الحق و الانصاف شبکه مجازی از جمله تلگرام شاهد موجی از فعالیت‌های هنری در این راستا بود؛ این درحالی است که کشتار شیعیان در نیجریه در دست زمان امتحانات مدارس و دانشگاه‌ها و حوزویان اتفاق افتاده امتحاناتی که خواه ناخواه دست دلسوزان و فعالان عرصه‌های مختلف فرهنگی از جمله هنر را بسته بود و فرصت کمی به آنها می‌داد تا حضور و بروز خوبی داشته باشند اما به همه این احوال هنرمندان مردمی از امتحان انسانیت و محب اهل بیست بودن نمره قبولی گرفتند و سر بلند بیرون آمدند هر چند اطمینان داریم موج عدالت‌خواهی و آزادخواهی این قشر در قبال کشتار وحشتناک زار یا و قهرمان حماسه‌سازی همچون شیخ ابراهیم زکزی که همین جا ختم نمی‌شود.

بهزاد دانشگر نویسنده و رمان‌نویس از جمله افرادی است که آمادگی خود را برای نوشتن رمان زندگی شیخ زکزی اعلام کرده‌است؛ این یعنی اینکه هر رسانه‌های ماجرای خونین زار یا را در سکوت فراموش می‌نمونه‌کنند و به نوعی همانند فاجعه بوستنی آن را سرسبزیند، اما پدال‌ه فوق ایدیهیم، هنر و ادبیات ایران مانند رود راه خود را باز خواهد کرد تا صدای مظلوم حقیقت را به گوش جهانیان برساند. جالب‌تر این است که هیچکدام از این تحرات که فعالیت‌ها دولتی نیست همه برخاسته از دل مردم است و به نوعی شاهد بسبب هر مری در فضای شبکه‌های اجتماعی و حرکت‌های حمایتی از شیعیان نیجریه بودیم که جای تقدیر دارد.

هفتادهمین جلسه سینما روایت به افغانستان می‌رود

همراه با مستندساز ایرانی در «تنها میان طالبان»

مستند تحسین شده «تنها میان طالبان» ساخته محسن اسلام‌زاده در هفتادهمین جلسه سینما روایت اکران و بررسی می‌شود. «تنها میان طالبان»، روایتی از حضور دو هفته‌ای یک مستندساز ایرانی در میان گروه طالبان است؛ اقدامی جسورانه که باعث خلق اثری دیدنی شد. این فیلم مستند در ژانر مستند بحران تولید شده و موفق به کسب تندین و جایزه شهید آوینی در نهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» شده‌است.

اسلام‌زاده که پیش از این نیز در سینما روایت حضور داشته این هفته نیز با مستند «تنها میان طالبان» به سینما روایت خواهد آمد. این مستند حدود یک هفته‌گاهی متفاوت با اکثر مستندهای ساخته شده درباره افغانستان دارد. مستندی که مستندسازش تلاش کرده است تا بدون قضاوت دوربینش را میان طالبان برد. هفتادمین جلسه سینما روایت روز یک‌شنبه ۶ دیماه رأس ساعت ۱۷ در مجتمع فرهنگی اسوه واقع در خیابان انقلاب اسلامی نیش بهار جنوبی برگزار می‌شود.